

مغازله امپریالیست ها بر سر زندگی مردم خاورمیانه

به بهانه قطع رابطه کشورهای عربی با ایران و توافق های اخیر با کشورهای اروپا و آمریکا

علیرضا ثقفی

افروختن آتش جنگ در خاورمیانه سر تمامی ندارد. هر روز به بهانه ای این آتش جنگ افروخته تر می شود و هر حادثه ای را به تدبیری برای شعله ورت کردن دشمنی ها بدل می کنند و با حل یک معضل، مشکلی دیگر سر بر می آورد. در این میان کشورهای آنی که هر کدام سر در آخور جناحی از سرمایه داری جهانی دارند آتش بیار معرکه می شوند و بر سیه روزی، فقر و تنگدستی و آوارگی انسان های ساکن در این منطقه می افزایند و میلیون ها خانه و کاشانه را ویران می کنند تا بحران های سر ریز تولید خود را حل کنند. هر آرامشی موقتی مقدمه ای برای شعله ورت شدن جنگ بعدی است و بیش از هفتاد سال است که این منطقه از جهان روی آرامش ندیده است. اگر جنگ اعراب و اسرائیل فروکش می کند، جنگ ترک و کرد را شعله ور می کنند و اگر جنگ عراق فروکش کند جنگ های یمن شعله ور می شود... و هر دم اثبات می شود که جنگ های ساختگی این نظام جز با دگرگونی اساسی نظام سرمایه داری پایان نخواهد پذیرفت.

پس از نوشتن مقاله لشگرکشی روسیه به سوریه، بحث های مختلفی در این ارتباط در فضای مجازی در گرفت. بخشی، حرف هایی که بحث انگیز است و بخشی مطالبی گفتند که باید به آن پاسخ داد. ابتدا بگوئیم امپریالیسم یعنی چه؟ سلطه گری، سلطه طلبی، تجاوز به خاک دیگران و توسعه طلبی... این ویژگی ها که معنی لغوی این کلمه نیز هست در صد سال متاخر مخصوص کشورهای قدرتمندتر نظام سرمایه داری بوده است که برای تسلط بر خاک و سرزمین و یا منابع کشورهای دیگر به لشگرکشی پرداخته اند و افروختن آتش جنگ و دامن زدن به آن میان کشورهای کوچک تر همواره با هدف تسلط بیشتر بر آنان بوده است. اما گویا در این میان عده ای می خواهند با گول زدن خود از یک قدرت سلطه طلب فاسد و کثیف دفاع کنند تا چند روزی به عافیت زندگی بگذرانند و همین عافیت طلبی است که دشمن نزدیکی انسانها و کارگران و زحمتکشانشان در مقاطع مختلفی از تاریخ شده است و زندگی انسانها را در دوره ای از تاریخ به عقب برگردانده است و نسل های بعدی تاوان این عافیت طلبی ها را پرداخته اند.

در مقاله قبلی گفتم که نمی توان نیروهای سلطه طلب را با ادعاهایشان مورد قضاوت قرار داد. تمام لشگرکشان تاریخ و فاتحان سرزمین دیگران همواره ادعا کرده اند که برای مقابله با نیروهای اهریمنی و سرکوب یاغیان و نجات مردم دست به لشگرکشی می زنند. از لشگرکشی های امپراطوری های باستان تا قتل و غارت مردم سرزمین های دور و نزدیک به وسیله ارتش آلمان نازی، تا کشتار مردم ویتنام توسط فرانسه و آمریکا و الجزایر و در سال های اخیر لشگرکشی به خاورمیانه، همه و همه ادعای دفاع از مردم را در برابر نیروهای اهریمنی داشته اند و در همین موارد اخیر این ادعاها بیشتر تکرار شده است. امروز همه لشگرکشی ها به خاورمیانه و جنگ افروزی ها در این منطقه یا با ادعای مقابله با داعش و وابستگان است، یا با ادعای مقابله با اسد و متحدان است.

اما هنوز کسی از مردم منطقه نپرسیده است که آیا برای آنان، اسد و متحدان که بیش از سی سال است در منطقه حاکمیت دارند با داعش و متحدان که پس از آنها قد علم کردند، تفاوتی وجود دارد؟

در این میان اخبار عملیات نظامی از دو طرف جالب است. (اخبار ۹۴/۹/۵ ساعت ۹ صدا آمریکا) "بمباران کاروان کمک های انسان دوستانه در مرز ترکیه توسط بمب افکن های روسی". "هدف روسیه نیروهای میانه رو ضد حافظ اسد است و نه داعش". "هواپیماهای روسیه ترکمن های سوریه را بمباران کردند. این مناطق شاهد شدیدترین بمباران ها بوده است. در حالی که ترکمن ها ضد داعش هستند. ده ها تن از مخالفان اسد در این بمباران ها کشته شدند که داعش نیستند."

نیروهای غربی می گویند بیشتر اهداف روسیه در سوریه گروه های طرفدار غرب هستند تا داعش. روسیه نیروهائی را بمباران می کند که مخالف بشار اسد و طرفدار غرب هستند (اخبار ساعت ده ۹۴/۹/۵). مدارک زیادی وجود دارد که هدف روسیه در سوریه مقابله با آمریکا و غرب است و در رقابت با این نیروها وارد کازار شده تا سهم خود را بگیرد و بشار اسد را که متحد او است حفظ کند. مقابله با نیرو های جناح سرمایه داری غربی و تقویت نیروهای جناح سرمایه داری شرقی. (۱)

در مقابل اسد و متحدان مدعی هستند که این نیروهای غربی هستند که داعش و متحدان را تقویت می کنند. هر چه بیشتر می گذرد روشن تر می شود که داعش و تروریسم بهانه ای بیش نیست و هدف اصلی، سهم خواهی از منطقه انرژی جهان است و جنگ هم نعمتی است که سرمایه های جهانی بتوانند با بهانه آن خود را بازسازی کرده و بازار بی رونق خود را رونق بخشند.

مغازله امپریالیست ها بر سر خاورمیانه

پس از سرنگونی هواپیمای روسی بر فراز مرز سوریه و ترکیه توسط جنگنده های ترکیه، آنکارا می گوید از روسی بودن این جنگنده اطلاع نداشته است. و روسیه می گوید بررسی تصاویر ویدئویی نشان می دهد که جنگنده در حریم هوائی سوریه بود. پس از آن، آنکارا حملات هوائی علیه سوریه را به تعلیق در آورد و از روسیه خواست از انتقام خودداری کند. مسکو گفت از اول ژانویه (دو ماه دیگر) سفر بدون روایت به ترکیه را برای اتباع روسیه محدود می کند (اخبار ۹۴/۹/۶ ساعت ۹ شب صدا آمریکا)

این اخبار بیش از آنکه به درگیری امپریالیستها شبیه باشد بیشتر به مغازله بین آنها شبیه است. زیرا مدتها است که هر دو به این نتیجه رسیده اند که بهتر است جنگ در خاورمیانه و سرزمین های نفت خیز باقی بماند و دامن کشورهای مهد سرمایه داری و به اصطلاح پیشرفته را نگیرد.

در این میان مقامات ایران که بخش پیاده نظام ارتش روسیه در سوریه را تشکیل می دهند کتمان نمی کنند که خط قرمز آنها بشار اسد است و هدف از فرستادن نیروهای زمینی به سوریه حفظ حکومت اسد و سرکوب مخالفین است.

رژیم اسد قهرمان مبارزه با تروریست می شود کسی که ثابت شد علیه مخالفان خود سلاح شیمیائی به کار می برد و همین روسیه در شورای امنیت رای به خلع سلاح شیمیائی سوریه داد. حکومت روسیه، قهرمان قتل عام چچن ها و برخاسته از کودتای یلتسین علیه پارلمان، رو در روی مبارزین علیه خاندان فاسد اسد قرار می گیرد و قهرمانان کهریزک، قهرمانان مبارزه با داعش می شوند. ترکیه هم به بهانه مبارزه با داعش عراق را اشغال می کند و عراق قهرمان مبارزه با آزادی با ترکیه اعلام نبرد می کند. ترکیه

هواپیمای روسی را سرنگون میکند و روسیه موشک های آخرین تکنولوژی خود، یعنی اس ۴۰۰، را در خاک سوریه مستقر می کند. فرانسه هم دخالت می کند. پارلمان انگلستان مجوز بمباران هوایی را در سوریه از پارلمان دریافت می کند. عربستان و قطر هم اعلام حمایت از داعش ... چه بلبشویی ...

و آخرین آنها، به آتش کشیده شدن سفارت عربستان در ایران و قطع رابطه کشورهای عربی با ایران و اعدام طرفداران ایران در عربستان و دعوای شیوخ که معلوم نیست کدامشان دل به حال مردم منطقه می سوزانند. ظاهرا که همگان سنگ مردم را به سینه می زنند، مردمی که بیش از هفتاد سال است که درگیر این جنگ های بی پایان هستند. در این میان دیگر کشتار اسرائیل که در عرض چند هفته بیش از یک صد و سی فلسطینی را به خاک و خون می کشد، در حاشیه قرار می گیرد، زیرا که کشتارهای بزرگتر در جریان است که دیگر این کشتارها در برابرش بسیار کوچک جلوه می کند. ترکیه شهرهای کردنشین را قتل و غارت می کند و فریاد زنان و کودکان آواره کرد را کسی نمی شنود.

اما کارگران و زحمتکشان باید علیه همه آنها مبارزه کنند. زیرا که هر کدام پیروز این میدان باشند تسمه از گردن مردم زحمتکش منطقه خواهند کشید. آنکه با تفنگ گرفته است با نصیحت واگذار نمی کند.

روی دیگر ادامه این جنگ ها آن است که تمام ذخایر ارزی و بنیان های زندگی مردم منطقه که از طریق فروش نفت گران قیمت کشورهای عربی و خاورمیانه به دست آمده است، اکنون صرف جنگ ها شده و بخش عمده آن به خرید سلاح و تجهیزات جنگی اختصاص می یابد. نگاهی به خرید سلاح ها و تجهیزات جنگی در منطقه ای که استاندارد های زندگی مردم در آن بسیار پائین تر از سطح جهانی است بیانگر آن است که بخش اعظم درآمد منطقه صرف تجهیزات نظامی می شود و هر از چند گاه که ذخایر ارزی فروکش می کند، جنگ ها هم کمی آرام تر می شود و سپس در فرصتی دیگر باز بهانه های خاصی آتش جنگ را شعله ور می کند. قبل از شعله ور شدن جنگ های خلیج فارس (۱۹۹۱) و لشگرکشی کشورهای متحد به منطقه برای سرنگونی صدام حسین، بهانه آن بود که سلاح های شیمیایی و کشتار جمعی در عراق وجود دارد. امری که پس از جنگ و اشغال عراق ثابت شد دروغی بیش نبوده است و اکنون پس از گذشت بیست و اندی سال از آن واقعه بارها نهاد های سرمایه داری اعلام کرده اند که هیچ گونه سلاح کشتار جمعی در عراق یافت نشد. (۲)

در این میان موضع برخی به اصطلاح روشنفکران جالب است. به یاد دارم که در یک میزگرد در باره روشنفکران که به و سیله مجله نقد نو برگزار شده بود وقتی که به تعریف کلاسیک روشنفکر پرداختم و گفتم روشنفکران بر دو دسته اند بخشی طرفدار قدرت و حکومت و بخشی بر قدرت و حکومت اند، زنده یاد سیمین بهبهانی با سادگی گفت آنکه طرفدار حکومت و قدرت است که دیگر روشنفکر نیست ... حرف اصلی آن است که داعش و متحدان، اسد و متحدان دو وجه یک پدیده هستند و آن هم نظام سرمایه داری است.

کدام جنایت است که داعش و متحدان انجام داده اند که اسد و متحدان آن را انجام نداده اند؟

کدام یک از کشورهای آمریکا و غرب یا روسیه با استثمار انسان ها و تحت تسلط در آوردن کارگران و زحمتکشان مخالف اند؟

کشتار مردم، زنان و کودکان، قتل عام مخالفان اعدام اسیران و زندانیان، تصاحب زنان (حال یا با عقد اسلامی و یا با شیوه کنیزی و برده داری) و آوارگی هزاران هزار انسان از سرزمین مادری خودشان، تمام این اعمال را در چند دهه گذشته هم داعش و متحدان انجام داده اند و هم اسد و متحدان. هر دو اردوگاه هم برای تحکیم نظام سرمایه داری و تشدید استثمار و بهره کشی از کارگران و زحمتکشان می جنگند. در این میان دیدگاه داعش با نظام سرمایه داری در مورد نحوه برخورد با زنان، چندان تفاوتی ندارد و نگاه کالائی و جنسیتی به زن در هر دو یکسان است (هر چند شیوه هایشان تفاوت دارد) و دلیل آن هم وجود هزاران مرد بورژوازی شهوتران در بازارهای برده فروشی داعش است. پس تفاوت چیست؟

لازم به ذکر است که در اوائل خیزش مردمی علیه حکومت حافظ اسد، نیروهای مستقل مردمی نیز در این مبارزه شرکت داشتند که با ورود کشورهای عربستان سعودی و اردوگاه غرب و قطر و ترکیه و حمایت از گروه های طرفدار خودشان، این نیروهای مستقل به سرعت تضعیف شده و از صحنه کنار رفتند و میدان به دست گروه های افتاد که خود را به یکی از قدرت ها وابسته کردند. از آن به بعد سوریه صحنه قدرت نمائی و قهر و آشتی جناح های مختلف سرمایه داری بوده است و اخیرا هم سازش بر سر منافع مردم منطقه تا به چپاول و غارت هر چه بیشتر بپردازند، ویران کنند و سپس با غارت منابع به بازسازی بپردازند.

در این میان بخشی از مردم، آن خیل عظیم آوارگانی هستند که قلب نظام سرمایه داری را هدف قرار داده اند و با پلیس پیشرفته کشورهای اروپائی به جنگ و مبارزه پرداخته و می پردازند تا خود را از جنگ قدرت جناح های سرمایه داری رها کنند. آنان نشان دادند که آنچه سهم کفتارها شده است و بر سران کفتارها به جان یکدیگر افتاده اند، دیگر وطن نیست و متحدان آنان مردم آزادی خواه و صلح طلبی هستند که با تمام وجود به استقبال آنان آمدند. مردم خاورمیانه در این مهاجرت دسته جمعی که همچنان ادامه دارد، نفرت خودشان را از جنگ میان جناح های سرمایه داری اعلام می کنند و در راه رسیدن به نقطه ای دیگر برای زندگی و به دور از جنگ کفتارها جان خودشان را به خطر می اندازند، در دریاها غرق می شوند، در آب های متلاطم و طوفانی گرفتار می شوند اما تن به ذلت ماندن تحت حاکمیت داعش و متحدان و یا اسد و متحدان را نمی دهند و در این میان از حمایت کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه اروپا و کشورهای مهد سرمایه داری برخوردارند.

اما چاره چیست یا چاره مهاجرت و فرار از میدان جنگ های ارتجاعی است و یا باید چاره ای دیگر اندیشید؟ خیل عظیم مردمی که یا نمی توانند و یا نمی خواهند عرصه را چپاولگران و اگذارکنند تکلیفشان چیست؟

آن هنگام که نمایندگان نظام سرمایه داری و کفتاران خون آشام با نشستن دور یک میز مذاکره برای رسیدن به توافق که زیاد هم در کار یکدیگر وارد نشوند و اجازه بدهند که هر یک منافع خودش را بدان صورت که می خواهد تامین کند، وظیفه کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم چیست؟

این مغالزه غرب و شرق و دو جناح سرمایه داری علیه مردم منطقه است. آنها اکنون بر این مساله توافق دارند که در خاورمیانه این منطقه نفت خیز و تامین کننده بیش از ۶۰ درصد انرژی فسیلی در جهان باید جنگ باشد. زمانی وزیر خارجه آمریکا به چین هشدار داد که کسانی که امروز در لشگرکشی ها به خاورمیانه مشارکت نمی کنند نباید در آینده انتظار انرژی ارزان را داشته باشند. اکنون مساله تغییر کرده است و آرامش نسبی جبهه ها زمینه ای برای طوفان بعدی است زیرا که هیچ یک از مسائل اساسی زندگی

مردم حل نشده است. با وارد شدن چین به بحران جهانی و افت بازار سهام آن و همچنین کاهش ارزش پولش، این کشور هم برای حفظ منافع خودش مخالفتی با ادامه جنگ در خاورمیانه ندارد. زیرا که این کشور هم از انرژی فسیلی ارزان سود سرشار می برد.

بار دیگر شاهد آن خواهیم بود که با یک دوره طولانی از جنگ ها در منطقه، ذخایر ارزی کشورها همراه با ارزان شدن نفت و گسترش بحران جهانی، کمی جبهه ها آرام شود. خالی شدن ذخایر ارزی منطقه و فروکش کردن قیمت انرژی فسیلی یکی از خواسته های قدرت های نظام سرمایه داری است و فروکش کردن توان و نیروی حکومت های سرمایه داری در منطقه، آنان را به سرمایه داری جهانی وابسته تر و محتاج تر می کند. هم چنان که شاهد آن هستیم که هر روز حکومت های منطقه خود را محتاج تر به سرمایه گذاری های جدید نشان می دهند. این امر می تواند آرامشی نسبی را در جبهه های جنگ فراهم کند تا بار دیگر از نقطه ای دیگر آتش آن شعله ورتر شود.

بر نیروهای مبارز و آزادی خواه است تا با همبستگی خود و مقابله با نیروهای حافظ نظام سرمایه داری به هر ترتیب به مقابله برخیزند زیرا با حاکمیت نظام سرمایه داری ادامه این وضعیت همچنان پا بر جای خواهد بود.

کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم و عاصی از این جنگ ها و لشگرکشی ها، چاره ای جز آن ندارند که هر چه بیشتر صفوف خود را فشرده تر کرده و نیروهای آزادی خواه و برابری طلب به یکدیگر نزدیک تر شده تا با این تهاجم نظام سرمایه داری در این منطقه مقابله و حکومت های فاسد منطقه را از قدرت برکنار کنند تا راه برای یک زندگی انسانی در این منطقه و سپس در سراسر جهان فراهم شود. اکنون پاشنه اشیل نظام سرمایه داری مدتها است که در این منطقه قرار گرفته است. بر نیروهای مخالف نظام سرمایه داری در سراسر جهان است تا از مبارزات استقلال طلبان و آزادی خواهانه مردم این منطقه در مقابله با حکومت های فاسد و متحدان نظام سرمایه داری حمایت کنند و همچنان که در مساله مهاجرت بزرگ بخشی از مردم منطقه، این کارگران و زحمتکشان و نیروهای صلح طلب بودند که با برخوردهای فاشیستی نیروهای نظامی و امنیتی کشورهایشان مقابله کردند. با این وضعیت موجود چاره ای برای مردم تحت ستم و کارگران و زحمتکشان چه در این منطقه و چه در سطح جهانی باقی نمانده است به جز اتحاد و همبستگی و مبارزه با نظام منحط و فاسد سرمایه داری. نظام رو به زوالی که بار دیگر در روزهای اخیر بحران های ذاتی این نظام گریباننش را گرفته است و بیکاری و فقر و گرسنگی سراسر جوامع سرمایه داری را در بر گرفته و این نظام برای فرار از بحران هایش به گسترش جنگ های این منطقه دست می زند.

زیرنویس ها:

- ۱- این مطالب قبلا در نوشته جنگ های هفتاد ساله بررسی شده است که خوانندگان را به آن ارجاع می دهم
- ۲- بوش: از پیدا نشدن سلاح کشتار جمعی در عراق شوکه شدم. - [www.khabaronline.ir/detail/106055/Nov 6, 2010](http://www.khabaronline.ir/detail/106055/Nov%206%2C2010) رئیس جمهور سابق ایالات متحده در کتاب خاطرات خود که قرار است هفته آینده منتشر شود نوشت: هنوز از پیدا نشدن سلاح های کشتار جمعی در عراق احساس ...
- ۳- بخشی از خریدهای تسلیحاتی کشورهای خاورمیانه را می توانید در این لینک مشاهده کنید:

<http://www.tisri.org/default-593.aspx>

به عربستان: هشتاد فروند هواپیمای اف ۱۵ و ۱۳۰ فرود هلوکوپتر از انواع مختلف
به کویت: ۲۰۹ فروند موشک پاتریوت ، ۱۰ فروند هواپیمای سوخت رسان
به عمان: ۱۸ فروند هواپیمای اف-۱۶ ، به اسرائیل : ۲۰ فروند هواپیمای اف-۳۵ و ...